



دوست دارند تعداد تألیفاتشان صفر بیشتری داشته باشد

علی اشرف صادقی*



در عنوان چاپ کرده است. این افراد می‌خواهند یک چیزی به نامشان باشد و متأسفانه بعضی از استادان صاحب‌نام هم این کار را می‌کنند؛ مثلاً کتابی را برمی‌دارند و به یک دانشجو می‌دهند و می‌گویند لغاتش را در بیاورد و معنا کند، بعد به اسم خودشان آن را چاپ می‌کنند و در مقدمه می‌گویند: «از کمک فلان خانم و فلان آقا هم تشکر می‌کنم».

آقای دکتر، عامل اصلی این پدیده چیست؟ مگر تألیف روند خاص خود را ندارد و مگر مرجعی نیست که آن را بررسی کند که پیشینه آثار در دست چاپ ناشران را بررسی کند؟

در اینجا دو عامل به نظر من می‌رسد؛ یکی این که مؤلفی وقت این کار را ندارد که برود تحقیق کند یا کتابی اصیل به اسم خودش در بیاورد. چون مقررات دانشگاه این است که این‌ها کتاب و تألیفی داشته باشند تا ارتقا پیدا کنند و رتبه بالاتری بگیرند) لذا راه کج می‌روند؛ بعضی از این موارد را به کمک رایانه می‌شود بررسی کرد. مثل مقاله‌ای که کسی نوشته بود و به وسیله رایانه به او نشان دادند که هر بخش آن را از کجا برداشته و ثابت کردند که صاحب مطلب کسی دیگر است. عده‌ای هم که احتیاجی به ارتقا ندارند، از روی جاه‌طلبی بیش از حد، می‌خواهند تعداد تألیفاتشان زیاد شود و این کار را می‌کنند. مثل کسانی که دوست دارند حساب بانکی‌شان صفر بیشتری داشته باشد، این‌ها هم دوست دارند تعداد تألیفاتشان صفر بیشتری داشته باشد!

صحبت از رایانه شد؛ از دیدگاه شما آیا دیجیتالی کردن کتاب‌ها و نسخه‌های خطی ضرورتی دارد؟ آیا کتاب دیجیتالی می‌تواند جای کتاب کاغذی را بگیرد؟

جای کتاب کاغذی را شاید نگیرد؛ من خودم هم کمتر با رایانه

نظر شما درباره کتاب‌سازی و پخته‌خواری چیست؟

این کاری است که رایج شده و به نوعی در قدیم هم بوده است؛ به این معنی که خیلی از کتاب‌هایی که در روزگاران گذشته بعضی از مؤلفین می‌نوشتند، در حقیقت از روی اثری از مؤلفی قبل از خودشان برداشته‌اند. قدری مقدمه‌اش را عوض کرده و مقداری تغییرات در زبانش داده و پرورش کرده‌اند. بدین ترتیب در زمان خودشان و به اسم خودشان معروف شده و احياناً گاهی اوقات نکته‌هایی هم اضافه کرده‌اند، اما نمی‌توان گفت اثر جدیدی خلق کرده‌اند. در روزگار ما سواد همگانی شده؛ «سواد» که می‌گوییم، در زبان فارسی، دو معنی دارد. یک موقعی می‌گوییم آدم بی‌سوادی است، منظورمان این است که اطلاعاتش در زمینه کار خودش کم است. یک موقعی هم سوادآموزی یعنی آموختن الفبا را اراده میکنیم و منظورمان سواد خواندن و نوشتن است. حالا یک عده‌ای خواندن و نوشتن یاد گرفته‌اند و به مراحل هم رسیده‌اند و فکر کرده‌اند که اسم خودشان را روی جلد یک کتاب بگذارند! این‌ها می‌آیند و کتاب‌سازی می‌کنند. مطالبی از دیگران بر می‌دارند و به اسم خودشان سر هم می‌کنند. گاهی هم بی‌شرمی را به جایی می‌رسانند که عنوان کتاب را عوض می‌کنند و اسم خودشان را به جای مؤلف می‌گذارند. مثلاً دکتر مدبری که استاد فاضلی است و از همکاران ما در دانشگاه کرمان، سال‌ها پیش اشعار شعری را که دیوان‌هایشان از بین رفته و پراکنده بود، در قالب یک کتاب بزرگ به نام شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان چاپ کرد؛ اما حدود یکی-دو سال پیش از خودش شنیدم که یک نفر همین کتاب را عیناً برداشته و به اسم خودش مجوز هم گرفته و عین کتاب را با تغییری جزئی

* استاد بازنشسته دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی



مراجعه می‌کنم و مقاله‌ام را می‌نویسم که این کار را با رایانه نمی‌توانم انجام دهم.

فواید و مضرات دیجیتال کردن متون چیست؟

فواید زیادی دارد؛ کتاب‌های دیجیتال قابل جستجو هستند. وقتی صد تا از آن را داشته باشید، فقط با یک دکمه مطالب مربوط به تحقیق را که در ۱۰ جای کتاب آمده و شما یادتان نیست، می‌آورید و با این روش هر نکته‌ای قابل دست‌یابی است. مثلاً در لغت‌نامهٔ دهخدا اگر بخواهید لغتی را پیدا کنید، مدخل را نگاه می‌کنید، ولی در چند جای دیگر و ذیل لغات دیگر هم نکاتی آمده و رایانه می‌تواند همه را برای شما بیاورد. مضرات آن را هم نمی‌دانم. شاید آدم را تنبل کند و مشکلات جسمی ایجاد کند. علی‌رغم این که بودنش موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه هم هست.

■

سر و کار دارم. همیشه وقتی کار می‌کنم، ۲۰ تا کتاب دور و برم هست. تحقیق که می‌کنم، راحت‌ترم که کتاب را بردارم و صفحاتش را ببینم؛ اما با رایانه باید این صفحه را بیاورم، بعد آن را بفرستم پایین و صفحهٔ بعد را بیاورم یا از این قبیل کارها؛ من به کاغذ عادت کرده‌ام. ولی از طرفی، می‌توانید پانصد جلد کتاب را درون یک سی‌دی جا بدهید و احتیاجی به فضایی برای چیدن این پانصد جلد کتاب در اطراف خود ندارید. از طرفی دیگر، اگر این‌طور باشد، دیگر در مؤسسات و کتابخانه‌ها نباید اثری از قفسه‌های کتاب باشد؛ در حالی که می‌بینیم هنوز کتابخانه هست. پس همه در ذهنشان این است که رایانه جای کتاب کاغذی را نمی‌گیرد. من خودم بر کتاب حواشی می‌نویسم، خط می‌زنم، غلطها را می‌نویسم. با سی‌دی نمی‌شود این کارها را کرد. زمانی هم که می‌خواهم مقاله‌ای بنویسم، به فیش‌هایی که از قبل تهیه کرده و در آن نوشته‌ام که چه نکاتی را در چه صفحه‌ای می‌توان پیدا کرد،

تازه‌های میراث مکتوب

تحقیق در کتاب المصادر
ابوبکر بستی

علی اشرف صادقی

ضمیمه شماره ۲۳
آینه میراث
۱۳۹۱

تجدید
کتاب المصادر ابوبکر بستی
علی اشرف صادقی

